



## اوراق اختیار معامله در بورس و نظر فقه امامیه

پدیدآورده (ها) : علویان خلیل آباد، زهرا؛ رجائی پور، مصطفی  
فقه و اصول :: فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی :: پاییز 1390 - شماره 29 (علمی-  
پژوهشی)

از 113 تا 136

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1100360>

دانلود شده توسط : رحمان قاسمی

تاریخ دانلود : 21/01/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

زهرا علویان خلیل‌آباد\*

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

دکتر مصطفی رجائی‌پور

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

## اوراق اختیار معامله در بورس و نظر فقه امامیه

### چکیده

بازار بورس، مکانی است که در آن سهام شرکت‌های گوناگون تولیدی، خدماتی و سرمایه‌گذاری، داد و ستد می‌شود و دارای مفاهیم گوناگونی است. همانند: ارکان بورس، نهادهای مالی، ابزارهای مالی و ...، که هر کدام به تنهایی جای بحث و بررسی زیادی دارد؛ یکی از این مفاهیم؛ ابزارهای مالی بورس است که اجزای متفاوتی دارد از جمله؛ سهم، حق تقدم، اوراق اختیار معامله، اوراق مشارکت، اوراق قرضه و صکوک.

این مقاله بر آن است که تنها یکی از ابزارهای مالی بازار بورس را تحت عنوان "قرارداد اختیار معامله" هم از نظر بازار بورس و هم از نظر فقهی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

### واژگان کلیدی:

معاملات اولیه و ثانویه، پیمان آتی و قرارداد آتی، قرارداد اختیار معامله، بورس، فقه

امامیه.

## مقدمه

همه روزه میلیون‌ها نفر در سطح جهان در زمینه‌ی بورس فعالیت می‌کنند و هر روز هم بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود؛ چرا که جوامع کنونی برای ادامه حیات همراه با موفقیت خود چاره‌ای ندارند، جز اینکه بازار بورس را در کشورهای خود تشکیل دهند و در جهت پیشرفت آن کوشش کنند.

کشور اسلامی ایران هم از این واقعیت، مستثنا نیست و برای اینکه بتواند در عرصه‌ی اقتصادی پیشرفت چشم‌گیری نماید و از کشورهای پیشرفته هم عقب نماند، اقدام به تأسیس بازار بورس کرده است.

بر این اساس، قوانین و مقرراتی در این زمینه، تصویب کرده که عموماً برگرفته از دستورات فقیهان و علمای دین بوده که منطبق بر شرع اسلام (فقه شیعه) است. حال که این بازار در کشور ما تأسیس شده و در حال فعالیت است، بر ماست که آگاهی بیشتر و بهتری در این زمینه به دست آوریم تا از نظر اقتصادی و شرعی دچار مشکل نشویم.

یکی از مفاهیمی که در بازار بورس بسیار اهمیت دارد، ابزارهای مالی است که به عنوان یک سند رسمی و قانونی در کشور مطرح می‌شوند و اجزای متفاوتی دارد؛ از جمله قرارداد اختیار معامله که به دارنده‌ی قرارداد، اختیار می‌دهد اما او را موظف نمی‌کند که یک دارایی مالی را به بهای مشخص از طرف دیگر بخرد یا به او بفروشد. خریدار قرارداد، باید مبلغی را به فروشنده بپردازد که آن را بهای اختیار یا حق شرط می‌گویند.

در این قرارداد نیز مانند تمام قراردادها، هر طرف امتیازی را به طرف مقابل می‌بخشد. برای ورود به بحث اصلی (قرارداد اختیار معامله) ابتدا مفاهیمی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

## الف - معاملات اولیه

معامله‌ای که بر روی کالای واقعی صورت می‌گیرد، سهام و اوراق بهادار جدید برای نخستین بار عرضه می‌شود یا کالای واقعی مورد نخستین معامله قرار می‌گیرد؛

## ب - معاملات ثانویه

در بازارهای بورس پس از انجام معاملات اولیه، بر روی اسناد اوراق معاملات اولیه، معاملات جدیدی رخ می‌دهد.

مثلاً پس از گذشت یک ماه از معامله سلف که مبلغ آن پرداخت و کالا در شش ماه آینده تحویل می‌شود، خریدار با توجه به وضعیت بازار می‌خواهد کالای خریداری شده را به مبلغ جدیدی به فرد دیگری بفروشد؛ مبلغ توافقی را دریافت و اسناد حاوی تحویل کالا را به شخص سوم تحویل می‌دهد.

عامل اساسی در فروش کالا به نفر سوم و خرید آن از طرف نفر سوم تحولات سریع بازارها و پیش بینی درباره آینده و کاهش ضرر یا افزایش سود می‌باشد.

هم‌چنین در معاملات کالی به کالی (دین به دین) یا قراردادهای آتی نیز گرچه مبلغی پرداخت نشده، اسناد معامله دارای ارزش خاص است و بر حسب قیمت کالا در زمان معامله و زمان پرداخت و تحویل، قیمت آن تغییر می‌کند نفر سوم با خرید اسناد، طرف معامله قرار می‌گیرد؛ معامله‌ی ثانویه بین نفر سوم و چهارم و ... جریان دارد و چه بسا بر یک معامله‌ی اولیه، ده معامله‌ی ثانویه جریان یابد.

فعالان در این بازار فقط خریداران و فروشندگان اصلی کالا نیستند؛ بلکه بخش مهمی از فعالان، بورس بازان هستند که می‌کوشند از تحولات بازار با انجام معاملات ریسکی، سود کسب کنند که حضور این افراد باعث رونق معاملات و گردش سریع نقدینگی می‌شود. امروزه در ایران، معاملات ثانویه چندان رونق نیافته است (درخشان، ۱۳۸۳، ۱۴۰).

## ج - پیمان آتی

معامله‌ای است که در آن خریدار و فروشنده نسبت به تحویل کالا با کمیت و کیفیت معین در تاریخ و محل مشخص به توافق برسند. قیمت در ابتدا معین می‌شود و پیش از

تاریخ تحویل، هیچ مبلغی رد و بدل نمی‌شود. این نوع قرارداد، ضمن ایجاد اطمینان خاطر به فروشنده و خریدار در مورد فروش محموله به قیمت خاص در صورت تغییر قیمت به یک طرف، ضرر وارد خواهد کرد.

در پیمان آتی که هیچ گونه مبلغی پرداخت نمی‌گردد و از نوع معامله کالی به کالی است، قیمت معین شده‌ی کالا را باید به قیمت بازار در زمان تحویل مقایسه کرد و سود و زیان را محاسبه کرد. [این مطلب در پایان مقاله از نظر فقهی بررسی می‌شود.] از آنجا که در شرایطی مانند سقوط شدید قیمت بازار و متضرر شدن خریدار یا نبودن امکان تحویل کالا توسط تولیدکننده و یا افزایش شدید قیمت و متضرر شدن فروشنده ممکن است یک طرف تمایل به فسخ قرارداد پیدا کند، از این رو برای رفع این نواقص، قرارداد آتی جایگزین پیمان آتی شد (همو، همان، ۱۶۰).

#### د- قرارداد آتی

در این قرارداد، مشابه پیمان آتی، دارنده‌ی آن متعهد می‌شود دارایی موضوع قرارداد را (کالا، ارز، اوراق بهادار) در آینده خریداری کند یا بفروشد. ویژگی اصلی آن، استاندارد بودنش است، بدین معنی که کمیت، کیفیت و خصوصیات فنی و تاریخ و محل تحویل آن باید بر طبق ضوابط بورس استاندارد باشد. علت استاندارد کردن قراردادها این است که بتوان آن را به علت ویژگی‌های یکسان با یکدیگر معامله کرد، فقط قیمت‌ها متفاوت است که آن هم در فضای رقابتی بورس مشخص می‌شود (همو، همان، ۱۴۰).

این معاملات در بورس از طریق کارگزاران صورت می‌گیرد؛ ودیعه‌ی مناسب با مبلغ قرارداد باید نزد کارگزار بورس قرار گیرد و هر زمان که یک طرف خواست از معامله خارج شود، می‌تواند آن را در بازار بورس به دیگری منتقل کند (همو، همان، ۱۴۹).

[اگر قرارداد آتی به صورت معامله‌ی دین به دین صورت گیرد از نظر شرعی باطل است؛ بنابراین اگر اصل دارایی پایه (قرارداد آتی) با اشکال شرعی مواجه باشد، حق خرید آن هم اشکال دارد و بیع آن درست نیست].

## ر- بیع حق

حق از عناوین فقهی است که در مقابل عین و منفعت قرار دارد. محقق خراسانی حق را از آثار ملکیت و سلطنت دانسته و ماهیت آن را امر اعتباری می‌داند که آثار خاصی دارد مثل حق خیار (قدرت بر فسخ)، حق شفعه (تملک در ازای مال) و ... .  
(حاشیه مکاسب، ۱۴۰۶، ۳).

حقوق در کلمات برخی از فقها انواعی دارد که عبارتند:

(۱) آنچه که با موت منتقل نمی‌شود و اسقاط و نقل آن صحیح نیست؛ مثل حق

پدیری؛

(۲) آنچه که با موت منتقل می‌شود و اسقاط و نقل آن صحیح است؛ مثل حق خیار؛

(۳) آنچه که قابل اسقاط و نقل است، اما بدون عوض به شخص منتقل می‌شود؛ مثل

حق زوجه؛

(۴) آنچه که قابل نقل به عوض است؛ مثل حق تحجیر؛

اگر عرف در حق بودن امری شک کند، نمی‌توان آن را قابل نقل و انتقال دانست؛ زیرا در هنگام شک در مصداق نمی‌توان به عمومیات تمسک کرد، البته اگر در قابلیت شرعی نقل و انتقال و اسقاط حق عرفی شک شود و عرف حق معینی را قابل نقل و اسقاط می‌داند، می‌توان با عدم ردع شرع، آن را تصحیح و با عمومات صحت شرعی اثبات کرد (موسوی خمینی، ۱۴۲۱، ۴۷ - ۵۲).

آیا حق می‌تواند ثمن و مئمن باشد؟ نظرها متفاوت است:

شیخ انصاری مئمن در بیع را مختص به اعیان می‌داند و معتقدند که ثمن بیع می‌تواند عین یا منفعت باشد، اما حق را هر چند قابل نقل باشد نمی‌توان ثمن را مبیع قرار داد.

اما امام خمینی (ره) و فقهای متعددی از جمله محقق ایروانی و از فقهای معاصر اساتید محترم موسوی اردبیلی، مؤمن، مکارم شیرازی و ... قائلند که بیع، مجهول شرعی نیست، بلکه امر عرفی است و عرف در آن شرط نمی‌کند که مئمن حتماً از اعیان باشد، بلکه حق را قابل فروش می‌داند مثل حق اشتراک تلفن، حق سرقتی و ... (همو، ۵۴، ۳۲؛ ایروانی، ۱۴۲۱، ۲۲؛ مؤمن القمی، ۱۴۱۷، ۲۳۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۳، ۳۳/۱؛ موسوی اردبیلی، ۱۴۱۴، ۲۱).

پس می‌توان گفت، صاحب مال حق دارد کالای خود را به هر کس که تمایل دارد بفروشد و چنانچه کسی بخواهد فروش کالا را تا مدت خاصی متوقف کند و از حق خود استفاده نکند در واقع در مدت معین از حق خود چشم‌پوشی می‌کند و می‌تواند در ازای اسقاط حق در مدت خاص، مبلغی دریافت کند.

همین‌طور خریدار حق دارد کالا را از هر کس بخرد و چنانچه بخواهد از حق خود بگذرد و در مدت معین از این حق استفاده نکند و خود را ملزم کند که فقط از فروشنده‌ی خاصی در صورت تمایل فروشنده بخرد، می‌تواند در ازای این اسقاط حق مبلغی دریافت کند. امام خمینی (ره)، اسقاط حق را قابل معامله می‌داند و می‌توان اسقاط حق را عوض یا معوض قرار داد. حق خرید و فروش (اختیار معامله) قابل معاوضه است و از نظر شرعی مانعی ندارد (همان، ۱/ ۵۹ - ۶۰).

### قرارداد اختیار معامله

اختیار معامله قراردادی است بین دو گروه (خریدار و فروشنده) به نحوی که خریدار از فروشنده‌ی اختیار معامله، حق خرید یا فروش یک دارایی را در یک قیمت معین، خریداری می‌کند، در اینجا نیز همانند تمام قراردادهای، هر طرف امتیازی را به طرف مقابل اعطا می‌کنند.

خریدار به فروشنده، مبلغی تحت عنوان حق شرط پرداخت می‌کند که در واقع همان قیمت اختیاری معامله می‌باشد؛ فروشنده نیز حق خرید یا فروش دارایی مذکور را در یک قیمت معین به خریدار اعطا می‌کند.

اختیاری را که برای خرید یک دارایی داده می‌شود اختیار خرید می‌گویند و اختیاری را که برای فروش یک دارایی داده می‌شود اختیار فروش می‌گویند.

قیمت تعیین شده‌ای که خریدار اختیار معامله می‌تواند دارایی را خریداری کند یا بفروشد، قیمت اعمال یا قیمت توافق نامیده می‌شود؛ به علاوه اختیار معامله، مدت معینی دارد، حق خرید یا فروش دارایی در یک قیمت معین فقط تا تاریخ انقضایی که قبلاً مشخص شده است، ادامه خواهد داشت (فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰، ۱۶ - ۱۷).

## انواع اختیار معامله

الف- انواع اختیار معامله؛ از نظر نوع قرارداد: ۱- اختیار خرید ۲- اختیار فروش؛

### ۱- اختیار خرید

عبارت است از: حقی برای خرید یک دارایی در یک قیمت معین (همو، ۲۲). این اختیار، قراردادی است که به خریدار حق می‌دهد تعدادی سهم معین را تا تاریخ معین به قیمتی که از قبل مشخص شده، خریداری کند. در این قرارداد، نام شرکتی که سهام آن خریداری می‌شود، تعداد سهم خریداری شده، قیمت خرید توافق شده و تاریخ انقضای حق ذکر می‌شود؛ در واقع اختیار خرید تعهد خرید نیست، بلکه حق خریدن یا نخریدن است. در حالت معمول؛ در هنگام خرید سهام، کل وجه سهام خریداری شده پرداخت می‌گردد و از تاریخ خرید به بعد سهام متعلق به خریدار است و سود و زیان آن هم متعلق به خریدار است.

اما در حالت اختیار معامله؛ خریدار سهام با پرداخت مبلغی ناچیز، حق خریدن یا نخریدن آن سهم در تاریخ مقرر را به قیمت توافق شده به دست می‌آورد (روح الامینی، ۱۳۸۴، ۸۱؛ عبدالله زاده، ۱۳۸۱، ۱۱۲).

افرادی که اقدام به خرید اختیار خرید می‌کنند، معتقدند که سهام در آینده رشد خواهد کرد و لیکن یا تحمل ریسک زیاد را ندارند و یا پول خرید سهام را ندارند. حداکثر زبانی که خریدار اختیار خرید در سرمایه‌گذاری خود متحمل می‌شود، بهای اختیار خرید خواهد بود (عبدالله زاده، ۱۳۸۱، ۱۱۳).

### ۲- اختیار فروش

حقی است برای فروش یک دارایی در یک قیمت معین (فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰، ۲۲)، قراردادی است که به دارنده‌ی خود حق می‌دهد تعداد سهام شرکت معینی را تا تاریخ معینی توافق شده به طرف قرارداد خود بفروشد.



کسانی که از این قرارداد استفاده می‌کنند، انتظار دارند که قیمت سهام در آینده پایین بیاید؛ اما به طور کلی مطمئن نیستند؛ بنابراین با خرید اختیار فروش سهام، خود را از ریسک کاهش قیمت حفظ می‌کنند (روح الامینی، ۱۳۸۴، ۸۱).

در واقع خریدار اختیار فروش سهام، در قبال پرداخت مبلغی مشخص به طرف قرارداد خود، حق اختیار فروش سهام خود به وی را در آینده به دست می‌آورد.

حق اختیار فروش یک تعهد نیست، بلکه تنها یک حق است و شخص می‌تواند در موعد مقرر از فروش سهام خود پرهیز کند. این ابزار نیز مانند اختیار خرید، ریسک معاملاتی را کاهش می‌دهد و جذابیت بیشتری به معاملات می‌بخشد (همو، همان، ۸۲؛ عبدالله‌زاده، ۱۳۸۱، ۱۱۳).

اختیار خرید و فروش، نحوه‌ی ارائه خدمات جدیدی است که هنوز در بازار بورس ایران ارائه نشده است.

ب- انواع اختیار معامله از نظر نحوه‌ی اعمال:

۱- اختیار معامله آمریکایی که در هر زمان از طول دوره‌ی خود قابل اعمال است؛

۲- اختیار معامله اروپایی که فقط در تاریخ انقضا قابل اعمال است؛

ج- انواع اختیار معامله بر اساس نوع دارایی که در برگیرنده‌ی آن است:

۱- اختیار معامله روی سهام؛

۲- اختیار معامله روی شاخص؛ در این نوع به جای خرید اختیار خرید دارایی پایه خاص، شاخص آن دارایی مورد معامله قرار می‌گیرد، یعنی شاخص سهام که در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از یک سری سهام خاص است که مورد معامله قرار می‌گیرد.

در این روش هرگاه یک اختیار خرید اعمال شود، فروشنده اختیار معامله، سهام متعدد به فرد نمی‌فروشد بلکه ما به التفاوت قیمت شاخص و قیمت اعمال شده را به تعداد سهام ضرب و به اعمال کننده می‌پردازد (فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰، ۲۰۳ - ۲۰۴).

این نوع خرید و فروش از آنجا که خرید و فروش صوری است، هیچ تبدالی واقع نمی‌شود و فقط از تفاوت قیمت‌ها استفاده می‌شود و آن را نوعی قمار می‌دانند؛ معامله‌ی این نوع اختیار، معامله‌ی صحیح نیست (عبدالحمید رضوان، ۱۴۱۷، ۳۷۱).

۳- اختیار معامله روی اوراق قرضه؛

۴- اختیار معامله روی پیمان‌های آتی؛

این اختیار که گاهی اوقات اختیار معامله‌ی کالاهای اساسی نامیده می‌شود، ترکیبی مهم از بازارهای اختیار معامله و بازارهای آتی می‌باشد. هم‌چنین به خریدار آن حق خرید یا فروش یک قرارداد آتی در یک تاریخ آتی و با قیمتی که امروز توافق می‌شود را می‌دهد؛ این اختیار در ایجاد ارتباط بین قیمت‌های این ابزارها بسیار مؤثر هستند و فرصت بسیاری را برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کنند (فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰، ۲۵).

بازارهای اختیار معامله: ۱- بازارهای سازمان یافته ۲- بازارهای خارج از بورس؛

### ۱- بازارهای سازمان یافته

بیشتر داد و ستدهای مربوط به اختیار معاملات در بورس‌های سازمان یافته انجام می‌شود؛ بورس یک صنف قانونی است که برای داد و ستد سهام اختیار معامله یا معاملات سلف تشکیل شده است. این سازمان یک سری تسهیلات فیزیکی را مهیا می‌کند و قوانین و مقرراتی جهت کنترل معاملات روی ابزارهای مالی ارائه می‌دهد.

### ۲- بازارهای خارج از بورس

این بازارها در مواردی است که مؤسسه‌های مالی مستقیماً با یکدیگر داد و ستد می‌کنند؛ که داد و ستد بیشتر روی ارز و نرخ بهره انجام می‌شود. مزیت اصلی این بازارها این است که می‌تواند توسط یک مؤسسه‌ی مالی به نحوی طراحی شود که احتیاجات یک مشتری خاص را برآورده نماید. لازم نیست قیمت مورد توافق و موعد پرداخت حتماً با اختیار معامله‌های مبادله شده در بورس مطابقت داشته باشند و از استانداردهای آن‌ها تبعیت نماید (همو، همان، ۲۶، ۲۹، ۴۱).

### بیمه و اختیار معامله

اگر از نقطه نظر ریسک به اختیار معامله بنگریم، می‌توان گفت که اختیار معامله یکی از ابزارهای انتقال ریسک از افرادی که توانایی تحمل آن را ندارند، به آن‌هایی که تحمل آن را دارند می‌باشد.

با این توضیح به نظر می‌رسد که اختیار معامله نوعی بیمه است؛ چرا که در بیمه، بیمه‌گزار با پرداخت مبلغی به عنوان حق بیمه، ریسک ضرر احتمالی را که در آینده‌ی نامعلوم به دارایی اش خواهد رسید، به بیمه‌گر منتقل می‌کند.

حال در مورد اختیار معامله فرض کنید که شما یک بدهی ۱۰۰۰ دلاری دارید که سر رسید آن ۲ ماه بعد است. قیمت روز دلار ۴۲۰ تومان می‌باشد و معلوم نیست قیمت دلار در سر رسید بدهی شما چقدر باشد؛ یعنی ممکن است ضرری در آینده متوجه شما شود که شما برای جلوگیری از این ضرر احتمالی، می‌توانید با پرداخت مبلغی جزئی برای خرید یک اختیار خرید ۱۰۰۰ دلاری (به قیمت هر دلار ۴۲۰ تومان) به سر رسید ۲ ماه آینده، این ریسک را از خود دور نمایید و ضرر خود را به حداقل برسانید.

حال اگر ۲ ماه بعد قیمت دلار مثلاً ۵۰۰ تومان شده بود، این ضرر را شرکت فروشنده‌ی اختیار معامله متحمل شده و دلار شما را به همان قیمت ۴۴۰ تومان که تعهد کرده بود، می‌فروشد (مثل حالتی که شما اتومبیل خود را بیمه کرده‌اید و شرکت بیمه خسارت تصادف شما را می‌دهد).

ولی اگر ۲ ماه بعد دلار در بازار ۴۳۰ تومان بود دیگر شما از حق خرید خود برای خرید دلار به قیمت ۴۴۰ تومان استفاده نمی‌کنید؛ چرا که می‌توانید در بازار به قیمت ۴۳۰ تومان خریداری نمایید؛ در این حالت فقط مبلغی که به عنوان حق شرط برای خرید اختیار پرداخته‌اید، از دست می‌دهید. (مانند حالتی که شما با پرداخت حق بیمه، اتومبیل خود را برای ۱ سال بیمه می‌کنید، اما در طول ۱ سال هرگز تصادف نمی‌کنید و فقط مبلغی را که به عنوان حق بیمه پرداخت کرده بودید از دست داده‌اید). (همو، همان، ۱۵۳ - ۱۵۲).

### وجوه تشابه قرارداد بیمه و قرارداد اختیار معامله

۱- وجود بیمه‌گر و بیمه‌گذار و حق بیمه در قرارداد بیمه و وجود فروشنده اختیار معامله، خریدار معامله و حق شرط در قرارداد اختیار معامله [بیمه‌گر = شرکت بیمه، بیمه‌گذار = کسی که اقدام به بیمه‌ی مثلاً ماشین خود می‌کند].

۲- در قرارداد بیمه، ریسک در قبال پرداخت حق بیمه، از بیمه گذار به بیمه گر منتقل می‌شود؛ در قرارداد اختیار معامله نیز ریسک در قبال پرداخت حق شرط از خریدار اختیار معامله به فروشنده آن منتقل می‌گردد.

۳- در قرارداد بیمه، در صورت وارد آمدن خسارت به بیمه گذار، بیمه گر ضرر را جبران خواهد کرد؛ در قرارداد اختیار معامله نیز در صورت تغییرات ناگهانی غیرمترقبه و نامطلوب قیمت‌ها، فروشنده‌ی اختیار معامله، ضرر را جبران خواهد کرد.

۴- در قرارداد بیمه، در صورت مصون ماندن بیمه گذار از خسارت، در پایان دوره، بیمه گر هیچ تعهدی ندارد و حق بیمه به عنوان حق الزحمه شرکت بیمه گر تلقی می‌شود؛ در قرارداد اختیار معامله، نیز در صورت عدم تغییرات ناگهانی و نامطلوب قیمت‌ها، در پایان دوره، فروشنده اختیار معامله هیچ تعهدی ندارد و حق شرط به عنوان حق الزحمه شرکت فروشنده‌ی اختیار معامله تلقی می‌شود. [مثل بیع العربون که در بحث‌های بعدی توضیح داده می‌شود].

### وجه اختلاف قرارداد بیمه و قرارداد اختیار معامله

۱- موضوع بیمه دارایی‌های واقعی می‌باشد؛ ولی موضوع اختیار معامله عمدتاً دارایی‌های مالی است؛

۲- در قرارداد بیمه، قصد بیع وجود ندارد، یعنی در صورت ورود خسارت به بیمه گذار، بیعی واقع نمی‌شود؛ بلکه خسارت به صورت نقدی پرداخت می‌شود، اما در قرارداد اختیار معامله، جبران خسارت به صورت انجام یک عقد بیع صورت می‌پذیرد؛ به این صورت که، فروشنده‌ی اختیار معامله به وسیله‌ی تضمین انجام یک معامله در یک قیمت معین، خسارت وارده را جبران می‌نماید.

با توجه به فتاوی فقها در بیمه، مبنی بر اینکه "تأمین و اطمینان قلب" دارای ارزش عقلایی بوده و می‌تواند یکی از عوضین قرار گیرد، در مورد اختیار معامله نیز می‌توان گفت: وجهی که خریدار برای خرید اختیار معامله می‌پردازد، در واقع در قبال دریافت تأمین و اطمینان خاطر نسبت به تغییرات ناگهانی و نامطلوب قیمت دارایی‌اش می‌باشد.

فروشنده‌ی اختیار معامله با تعهد به انجام یک بیع با قیمت مشخص و تاریخ معین به خریدار اطمینان می‌دهد که تا تاریخ تعیین شده می‌تواند دارایی مشخصی را در

قیمت مشخصی خریداری نماید (اختیار خرید) یا به فروش برساند (اختیار فروش)؛ این اطمینان قلب، طبق فتوای مذکور دارای ارزش عقلایی است و می‌تواند یکی از عوضین واقع شود (فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰، ۱۷۱، ۱۷۳؛ عبده، ۱۳۹۲؛ مطهری، ۱۳۱۶، ۲۸).  
از این تأمین و آرامش خاطر در قرآن تحت عنوان "آمنهم من خوف" یاد شده است؛ یعنی پروردگاری که ایشان را از خوف و ترس ایمن و آسوده گردانید (قریش/۴).

### نحوه‌ی استدلال

در بازار دارایی‌های مالی، بیمه‌ی دارایی از لحاظ فیزیکی (بیمه بدنه، آتش سوزی، عمر و ...) معنی ندارد؛ چرا که دارایی‌ها به صورت اوراق و برگه‌هایی در دست مردم هستند و بیمه کردن این برگه‌ها از لحاظ فیزیکی معقول به نظر نمی‌رسد.  
بنابراین تنها خطری که ممکن است متوجه دارایی‌های مالی باشد، افزایش یا کاهش ناگهانی و نامطلوب قیمت آن‌ها می‌باشد.

همان‌گونه که گفتیم؛ اختیار معامله، در واقع ابزاری است که از آن می‌توان برای بیمه کردن دارایی‌های مالی در برابر خطر تغییرات نامطلوب قیمت‌ها استفاده کرد.  
دارنده‌ی یک دارایی مالی با خرید یک اختیارفروش، دارایی خود را تا تاریخ معین در برابر کاهش ناگهانی قیمت‌ها بیمه می‌کند؛ چرا که، اطمینان دارد تا تاریخ مذکور می‌تواند دارایی خود را در یک قیمت مشخص به فروش رساند.

هم‌چنین، دارنده‌ی یک بدهی مالی، با خرید یک اختیار خرید، بدهی خود را تا تاریخ معین در برابر افزایش ناگهانی قیمت‌ها بیمه می‌نماید؛ چرا که دارنده، مطمئن است تا تاریخ مذکور می‌تواند دارایی مالی این را که بدهکار است، در یک قیمت مشخص خریداری نماید.

البته در مورد اختیار معامله‌هایی که روی دارایی‌های واقعی ایجاد شده (مانند اختیار معامله روی کالاهای اساسی هم‌چون؛ طلا، دام، غله، نفت و ...) امکان وجود هر دو نوع بیمه وجود دارد، یعنی دارنده‌ی این کالاها می‌تواند، هم این دارایی‌ها را از لحاظ فیزیکی بیمه کند و هم با خرید اختیار معامله، آن‌ها را در برابر تغییرات ناگهانی و نامطلوب قیمت‌ها بیمه کرد.

به هر حال می‌توان گفت که اختیار معامله، نقش بیمه را در بازارهای مالی ایفا می‌کند و دقیقاً به همان اندازه که بیمه در سلامت جامعه مؤثر بوده و نقش حیاتی در بقای جامعه دارد، اختیار معامله نیز در سلامت و امنیت دادن به بازار دارایی مالی مؤثر بوده و دارای نقش حیاتی در ادامه‌ی بقای بازارهای سرمایه بوده و هر چه بیشتر آن‌ها را به سمت کارتر شدن پیش می‌برد. [پس باید تلاش کرد اختیار معامله را در بازار بورس ایران به مرحله عمل درآورد.]

- اختیار معامله عقد است؛

اختیار معامله عقد باشد یا قرارداد فرقی نمی‌کند؛ در هر حال طرفین عقد یا قرارداد باید الزاماً تعهد خود را در قبال طرف مقابل انجام دهند. با توجه به اینکه، قرارداد گاهی به جای کلمه‌ی عقد به کار می‌رود (مانند قرارداد اجاره و ...) با وجود این، می‌توان گفت که در حقوق ایران هر عقدی قرارداد است و این قرارداد منشا تعهدات می‌باشد؛ اما هر قراردادی عقد نیست (امامی، ۱۳۶۴، ۶۵).

- به موجب ماده‌ی ۱۸۳ قانون مدنی که اقتباس شده از فقه اسلامی است، می‌گوید:

"عقد عبارت است از اینکه، یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد."

این تعریف عقد را از غیرعقد مشخص می‌کند. در اختیار معامله فروشنده اختیار معامله در مقابل خریدار، حق خرید یا فروش یک دارایی را در یک قیمت معین تعهد می‌نماید.

- با توجه به شباهتی که بین بیمه و اختیار معامله وجود دارد در زمینه‌ی عقد اختیار معامله باید گفت که این عقد، عقد رضایی است یعنی رعایت تشریفات مثل ثبت در دفاتر اسناد رسمی در آن لازم نیست و رضای طرفین برای وقوع آن کافی است، بنابراین آن را عقد مرضاتی می‌گویند (ر.ک، کاتوزیان، ۱۳۶۴، ۹۲).

- کاتبی در کتاب حقوق مدنی عقود و تعهد الزامات، بیمه را عقدی معلق معرفی کرده؛ با توجه به شباهتی که بین عقد بیمه و اختیار معامله وجود دارد می‌توان گفت که اختیار معامله عقدی معلق است یعنی اثر و تحقق خارجی آن منوط و موقوف به امر دیگری است (حقوق مدنی عقود، ۱۳۵۶، ۴۰). [در اختیار معامله، خریدار از فروشنده‌ی اختیار معامله، حق خرید یا فروش یک دارایی را در یک قیمت معین خریداری می‌کند؛ پس

اگر قیمت سهام تغییر کند، خریدار از فروشنده حق خرید یا فروش در یک قیمت معین را دریافت کرده است [عده‌ای از نویسندگان گفته‌اند که عقد باید منجز (قطعی) باشد، وجود تعلیق در عقد، آن را باطل می‌کند؛ این گروه بر بطلان عقد معلق، ادعای اجماع نیز داشته‌اند<sup>۱</sup> (امامی، ۱۳۶۸، ۱۶۷/۱ - ۱۶۹).

گرچی و طباطبایی بیان کرده‌اند که:

بر فرض که تعلیق عقد را باطل کند، این بطلان در عقودی است که ذاتاً قابلیت تعلیق نداشته باشند مثل عقد نکاح؛ چون بطلان نکاح معلق، به لحاظ اهمیت خاص آن و مجاز بودن طرفین در تشکیل خانواده و تحکیم بنیان آن می‌باشد، اما در عقودی که ذاتاً معلق هستند مثل وصیت (به عقیده‌ی کسانی که وصیت را عقد می‌دانند) و با سبق و رمایه، تعلیق، زینانی به صحت آنها نمی‌رساند. (تعهدات ناشی از قرارداد، ۱۳۵۵، ۱۴۶؛ حاشیه مکاتب، ۱۳۷۵، ۱۹۷).

- عده‌ای از نویسندگان، عقد اختیار معامله را عقد غرری می‌دانند و معاملاتی که در آنها غرر وجود دارد را باطل می‌دانند؛ در اینجا غرر به معنای خطر، فریب، غفلت و بی‌خبری بوده است<sup>۲</sup> (مجله کنفرانس فقه اسلامی، ۱۴۰۵، ۵۵۰؛ روحانی، بی‌تا، ۷۶؛ عبده، عبدالمطلب، ۱۹۷۶، ۶۴ - ۷۰).

از طرفی باید بیان کرد که در سایر عقود مثل شرکت، مضاربه، مساقات، حواله، ضمان و اجاره نیز غرر وجود دارد، زیرا مثلاً معلوم نیست آیا سود و محصولی بدست خواهد آمد یا نه؟ و آیا درختان، میوه خواهند داد یا نه؟ و حال آنکه عقود مذکور از جمله عقود مشروع است (مجله کنفرانس فقه اسلامی، ۱۴۰۵، ۶۷۱ و ۶۷۲).

<sup>۱</sup> در پاسخ باید گفت که در عقد اختیار معامله آنچه معلق است حق شرط است نه خود عقد اختیار معامله.

<sup>۲</sup> از آنچه که گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که: در معامله‌ی غرری مغرور باید عالم به غرر خود باشد و از طرف دیگر نیز غار قصد مغرور کردن یا فریب دادن طرف مقابل را داشته باشد؛ حال با این اوصاف غرری بودن عقد اختیار معامله منطقی نیست چون طرفین عقد در مورد حق خرید یا فروش دارایی در یک قیمت معین به توافق می‌رسند و هر یک از طرفین می‌توانند از تنظیم قرارداد و امضاء انعقاد آن خودداری نمایند.

## اختیار معامله و بیع العربون

بیع عربون به بیعی گفته می‌شود که کسی کالایی را بخرد و چیزی به صاحب آن پرداخت کند؛ به این صورت که اگر بعداً معامله را انجام دهد، جزئی از ثمن محسوب شود وگرنه متعلق به صاحب کالا است و به مشتری باز نمی‌گردد. عربون جزئی از ثمن است، هر چند که مشتری به بایع شرط کند که اگر باز نگردد، این مبلغ جزء ثمن است و الا عربون در عوض آنچه که او را از فروش منع کرده است، متعلق به فروشنده است.

## صحت بیع العربون

این بیع از نظر امامیه صحیح است و دلیل آن روایتی است از امیرالمؤمنین(ع) که در سه کتاب از کتب اربعه شیعه به صورت زیر ذکر شده است:  
"امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: بیع العربون جایز نیست، مگر اینکه به صورت نقدی و جزئی از ثمن باشد."

از لحاظ حقوقی نیز باید بگویم، اگر چه چنین بیعی، در قانون مطرح نشده است، ولی هیچ گاه مخالفتی با قانون ندارد، به استناد ماده‌ی ۱۰ قانون مدنی صحیح است. ماده‌ی ۱۰ ق. م: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد کرده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

در صورت صحت بیع العربون و دقت نظر بیشتر در آن می‌توان گفت که بیع العربون در واقع یک اختیار خرید می‌باشد. به این صورت که مبلغ پرداختی توسط خریدار اختیار معامله را، جزئی از بهای سهام مذکور بدانیم که اگر تا مدت مذکور مراجعه کرد، وجه مذکور جزئی از ثمن محسوب شود، وگرنه متعلق به فروشنده باشد.

بنابراین گمان می‌رود تطابق اختیار خرید با بیع العربون و قبول بیع العربون از سوی فقهای امامیه بتواند استدلالی محکم و قوی برای جواز شرعی "اختیار خرید" باشد و از آنجایی که تمام اشکالاتی که ممکن است بر اختیار فروش وارد آید، در مورد اختیار خرید نیز صادق است.



گمان می‌رود، جواز شرعی اختیار خرید و ردّ اشکالات وارد به آن، راه را برای جواز شرعی اختیار فروش نیز باز کند و بتوان با توجه به قبول بیع العربون در اسلام، اختیار فروش را نیز جایز دانست (همان، ۱۹۳ و ۱۹۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ۲۸۰ - ۲۸۶).

### دیدگاه‌های فقهی پیرامون اختیار معاملات

۱- حق اختیار معامله را به دلیل بطلان سر رسید بیش از سه روز تحت عنوان خیار شرط و به دلیل سود اضافی خریداران و ظلم بودن آن صحیح نمی‌دانند (عصمت پاشا، ۱۳۸۳، شماره ۹).

حق اختیار معامله را ضرر فاحش دانسته و شروط موجود در آن را فاسد و آن را با قاعده عدل در معاملات متعارض می‌دانند (برواری، ۱۴۲۳، ۳۴).

خیار شرط همان بیع با خیار فسخ برای یک طرف است و حداکثر تا سه روز مجاز می‌دانند، در این معامله یک طرف همیشه سود می‌برد (عبدالحمید الرضوان، ۱۴۱۷، ۳۶۱ - ۳۶۳).

۲- عقد اختیار، بیع نیست؛ چون شرایط بیع را دارا نیست، در بیع مثنی باید امر مادی محسوس و معلوم باشد و حقوق متعلق به شیء و مادی مثل تألیف و ابتکار قابلیت بیع را دارد اما حق اختیار معامله و حق شفعه، حق محض است و قابلیت مثنی شدن را ندارد؛ مثنی باید معلوم باشد ولی در اختیار معامله مثنی بر اساس عوامل غیرشرعی معین می‌شود مثل قیمت کالا و زمان انجام عقد و انتظارات تغییر قیمت کالا و قیمت پیش بینی شده و ارزش بهره، بنابراین عقد اختیار معامله شرایط بیع را ندارد و تحت دیگر عقود شرعی هم واقع نمی‌شود (زحیلی، ۱۴۲۳، ۵۰۲، ۵۰۹).

۳- در بیع، مثنی می‌تواند حق باشد و با بیع، آن حق منتقل به دیگری می‌گردد، از این رو خرید و فروش حق اختیار معامله صحیح و نافذ است (مؤمن القمی، ۱۴۱۷، ۲۴۳).

۴- علی قره داغی عقد اختیار معامله را باطل می‌داند، زیرا در آن تسلیم و تسلّم واقع نمی‌شود و در آن ارکان عقد محقق نیست و نمی‌توان آن را به خیار شرط بازگرداند و در آن شرط شده که جزئی از مال کم شود بدون آنکه به ضرر فعلی واقعی ارتباط یابد.

هم‌چنین به علت بطلان بیع العربون در نزد بیشتر فقها و آن که در بیع عربون اگر معامله واقع شود عربون جزئی از ثمن است و در حق اختیار چنین نیست، نمی‌توان از آن استفاده کرد.

۵- علی معبد الجراحی معامله عقد اختیار معامله را باطل می‌داند زیرا آن را قمار بر قیمت‌های آینده دانسته است.

۶- محمد مختار اسلامی نیز این معامله را باطل می‌داند، زیرا آن را عقد جدید دانسته و قابل تصحیح شرعی نیست و نزدیک‌ترین معامله بر آن را قمار ذکر کرده است؛ زیرا ضرر و سود آن با تغییر قیمت در بازار ارتباط دارد (برواری، ۱۴۲۳، ۲۳۵).

۷- معامله اختیار معامله باطل است؛ زیرا مشتمل بر امور غیرصحیح است؛ مانند مشتمل بر بیع مالایمک است. بیشتر معاملات آن غیرواقعی است. این معامله را برخی شروط فاسد احاطه کرده؛ مانند مدت اختیار، اشتراط منفعت برای یک طرف در مقابل حق اختیار به دلیل تنافی آن با مقتضای عقد و غرض آن و اینکه مشتمل بر مصلحت زائده‌ای است که در آن شبهه ربا وجود دارد و اینکه از جنس قمار است و حرام شمرده می‌شود و اینکه شرط در آن فاسد است. هم‌چنین فروش حق خیار شرعاً حکم عقد را نمی‌پذیرد<sup>۱</sup> (عبدالحمید الرضوان، ۱۴۱۷، ۳۶۳ و ۳۷۲).

۸- مجمع فقه اسلامی در دوره‌ی هفتم در جده در سال ۱۴۱۲ اعلام کرد که عقد اختیار معامله حرام است و گفته است آنچه به عنوان عقد اختیار معامله در بازارهای مالی بین‌المللی جریان دارد عقد جدیدی است که مشمول هیچ یک از عقود شرعی معروف نیست، بنابراین عقد شرعی، نادرست و مبادله‌ی آن جایز نیست (زحیلی، ۱۴۲۳، ۵۱۲).

۹- احمد یوسف سلیمان معتقد است که شرطی که فروشنده و خریدار بر آن توافق می‌کنند شرط صحیح است و گرفتن ارزش حق اختیار معامله جایز است؛ بنابراین باید به آن شرط عمل کرد و عقد را محترم شمرد، طرف مقابل هم می‌تواند حق خیار خود را بفروشد (برواری، ۱۴۲۳، ۲۳۶ - ۲۳۷).

<sup>۱</sup> این مباحث صحیح نیست؛ چون این امر نه ربای قرضی است و نه معاملی، هدف خریدار حق انتقال ریسک به دیگری در مقابل مبلغ پرداختی است و وجود ریسک و تغییرات آینده باعث سود و زیان طرفین می‌شود و این سود عنوان ربا پیدا نمی‌کند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که، اشکال‌هایی بر اختیار معامله وارد شده است که به اختصار در زیر به آنها اشاره می‌کنیم:

#### اشکال اول؛

عدم امکان تطبیق اختیار معامله بر خیار شرط. پاسخ؛ در فقه اهل سنت خیار شرط در شرایط خاصی مثل سه روز یا نیازِ ضروری، جایز است.

اما با توجه به صحت بیع حق، نیاز به تطبیق آن با خیار شرط نیست؛ علاوه بر آنکه خیار شرط به صورت شرطِ ضمن عقد عمل می‌کند و در عقد بیع اختیار معامله بر همان حق خرید واقع می‌شود.

اشکال دوم؛ اختیار معامله بر غرر فاحش. پاسخ؛ در مورد غرری بودن اختیار معامله با توجه به وضعیت بازارهای بورس، انگیزه‌ی اصلی از ابداع عقد اختیار معامله جلوگیری از ضرر در معاملات است که شخص با انجام آن، پیش از معامله می‌داند با چه وضعیتی مواجه خواهد بود.

بنابراین نمی‌توان آن را غرری دانست؛ به عبارت دیگر در این معامله غرر نیست به دلیل استاندارد بودن معاملات در بازار بورس و وجود اطلاعات در آن.

اشکال سوم؛ تعارض اختیار معامله با قاعده عدل و انصاف. پاسخ؛ هر عقدی ممکن است باعث ضرر یک نفر باشد و ممکن است پس از هر خرید، قیمت کالا تغییر کند و یک طرف و یا هر دو طرف متضرر شوند؛ عدالت اقتضا می‌کند هنگام معامله آنچه خریده می‌شود به قیمت آن زمان خریده شود.

اشکال چهارم؛ جدید بودن عقد اختیار معامله و عدم دلیل بر صحت شرعی آن. پاسخ؛ جدید بودن معامله، مجوز عدم صحت نیست؛ زیرا گرچه ممکن است عقد اختیار معامله جدید باشد اما با توجه به صحت عرفی آن و شمول عمومات و اطلاعات شرعی نسبت به آن و عدم شمول مناهای شرعیه، این عقد صحیح و نافذ است.

علاوه بر اینکه اثبات شده که عقد اختیار معامله نوعی بیع است و عقد جدید محسوب نمی‌شود، بلکه مصداق رایج جدیدی از بیع است.

اشکال پنجم؛ عدم تحقق تسلیم و تسلیم و ارکان عقد در عقد اختیار معامله. پاسخ؛ تسلیم و تسلیم در عقد اختیار معامله واقع می‌شود؛ زیرا فروش یا خرید حق که امر اعتباری است تسلیم و تسلیم متناسب با آن را طلب می‌کند؛ فرد پس از خرید حق

اختیار خرید از فروشنده، می‌تواند از آن حق استفاده کند و با اخذ برگه‌ی مخصوص از کارگزار بورس، دارنده‌ی آن گردد.

اشکال ششم؛ غیرواقعی بودن معاملات اختیار معامله. پاسخ؛ معاملات اختیار معامله غیرواقعی نیست، زیرا حق فروش یا خرید به خریدار آن منتقل می‌شود و او بر حسب وضعیت بازار آن را منتقل می‌کند و یا می‌فروشد.

اشکال هفتم؛ فاسد بودن شرط منفعت برای یک طرف در مقابل حق اختیار. پاسخ؛ در این عقد شرط منفعت برای یک طرف نیست، بلکه یک طرف در ازای از دست دادن فرصت فروش، مبلغی دریافت می‌کند و طرف دیگر با دادن مبلغی اندک، زمینه‌ی ضرر بزرگ را از خود دور می‌سازد.

همان‌گونه که در عقد بیمه یک طرف برای اطمینان خاطر مبلغی می‌پردازد و طرف دیگر برای تدارک خسارت احتمالی مبلغ را جمع‌آوری می‌کند و از نظر عرف هر دو طرف منفعت کسب می‌کنند؛ در این مورد هم دو طرف با میل و رغبت و برای کسب منفعت معامله‌ی خیار را انجام می‌دهند.

اشکال هشتم؛ عدم صدق بیع بر فروش حق خیار به علت عدم امکان قرار گرفتن حق خیار به عنوان یک طرف معاوضه، زیرا حق مالی قابل معاوضه نیست. پاسخ؛ حق خرید یا فروش ارزش مالی است. معیار تشخیص در این امر عرف است.

اشکال نهم؛ اختیار معامله یک نوع قمار است. پاسخ؛

۱) در قرارداد اختیار معامله هر دو طرف به نحوی از قرارداد سود می‌برند ولی در قمار یک طرف بازنده است؛

۲) قمارباز با انجام قمار، خود را در معرض خطر از دست رفتن مال قرار می‌دهد و حال آنکه در قرارداد اختیار معامله هر یک از دو طرف خود را از خطر می‌رهاند و برای خود اطمینان و آرامش ایجاد می‌کند، در حالی که قمار همواره با تشویش و نگرانی همراه است (فطانت و آقاپور، ۱۳۸۰، ۱۶۷ - ۱۶۸)؛

۳) قمار از نظر عقلای جامعه کاری قبیح و مذموم است، اما هیچ‌گاه عقل قرارداد اختیار معامله را کار ناشایستی نمی‌داند؛

۴) هدف دو طرف در قرارداد اختیار معامله جلوگیری از ریسک و خطر و تأمین اطمینان و آرامش است که این عمل نمی‌تواند قمار باشد؛

۵) هدف قرارداد اختیار معامله کمک به هم‌نوع و همیاری است؛ اما قمار چنین ویژگی ندارد و برابر با فرموده‌ی قرآن، قمار موجب عداوت و دشمنی است؛ و در جایی دیگر می‌فرماید: قمار از اعمال شیطان و احکام جاهلی شمرده شده و به اجتناب از آن امر گردیده است (مانده/۵۰).

### نتیجه

از مجموع مباحثی که در این مقاله ارائه شد، می‌توان به این نتایج رسید:

۱. اگرچه بعضی از اندیشمندان و فقها در مورد اوراق اختیار معامله نظر مثبتی ندارند اما به طور کلی این اوراق بر اساس مبانی فقهی که در جواب ایرادات به آن آمده و بر اساس صحت بیع حق، در بازارهای بورس اسلامی قابلیت استفاده دارد؛

۲. بین بیمه و اختیار معامله شباهت‌ها و اختلافاتی وجود دارد، اما به طور کلی می‌توان گفت که اختیار معامله شبیه بیمه است و از آنجایی که بیمه از مصادیق بیع کالی به کالی نیست، پس اختیار معامله هم نمی‌تواند بیع کالی به کالی باشد (بیع کالی به کالی یعنی هر دو طرف معامله ثمن و مثنی‌مان) زمان دار باشد، این بیع صحیح نمی‌باشد، زیرا بیع کالی به کالی در روایات نهی شده است و اجماع بر فساد آن وجود دارد؛

۳. در مورد صحت بیع العربون، نظرهای گوناگونی وجود دارد؛ اما به طور کلی می‌توان گفت که بیع العربون در واقع یک اختیار خرید است که این مسأله را عده‌ای از فقهای شیعه قبول کرده‌اند و شرط آن این است که بیع العربون به صورت نقدی و جزئی از ثمن باشد؛

۴. خریدار اول در معاملات بورس وقتی می‌تواند ثمن را در معامله‌ی سلف کامل پرداخت کند، می‌تواند معامله را انجام دهد؛ اما کالای خریداری شده را پیش از موعد نباید بفروشد و نمی‌تواند همان کالا را معامله کند.

راه تصحیح معاملات ثانویه این است که در معاملات بعدی، خرید و فروش کالا یا سهام، به صورت کلی و بدون ارتباط با معامله‌ی اول صورت گیرد؛ اما برای تحویل کالا با توافق طرفین می‌توانند از حواله‌ی انبار معامله‌ی اول بابت خرید استفاده کنند؛

۵. برای انجام معامله‌ی اول می‌توان از عقد ودیعه استفاده کرد؛ اگر خریدار، مبلغ کامل ثمن را ندارد و فقط پول در حد ضمانت دارد، طرفین معامله مبلغی را به صورت ودیعه در اختیار کارگزار بورس قرار می‌دهند و ضمن آن شرط می‌کنند که در تاریخ معین، کالا یا سهام به قیمت خاص خریداری شود؛ چون عقد ودیعه جایز است و باید شرط شود که هیچ یک از طرفین حق فسخ معامله را ندارند؛ در این شرایط حواله‌ای در مورد کالا وجود ندارد، فقط سندی وجود دارد که دلالت می‌کند بر تعهد طرفین به معامله در زمان خاص، در ضمن امانت و ودیعه نهادن مبلغ ضمانت.

انجام معامله‌ی ثانویه بر این سند وابسته به این است که آیا این سند ارزش مالی دارد و تعهد ودیعه آیا قابلیت معامله دارد یا نه؟ در عین حال از نظر عرف، سند عقد ودیعه دارای ارزش مالی است؛ پس می‌توان آن را در بازار ثانویه معامله کرد؛

۶. برای انجام معامله‌ی اول می‌توان از عقد صلح استفاده کرد؛ اگر خریدار ثمن معامله را در اختیار ندارد، می‌تواند از معامله‌ی صلح کالی به کالی استفاده کند؛ طرفین معامله مصالحه می‌کنند که در تاریخ مشخص، کالا یا سهام مورد نظر با مبلغ خاصی رد و بدل شود؛ پس در معامله‌ی اول از صلح استفاده می‌شود و می‌توان پیش از موعد سررسید، کالای خریداری شده را فروخت؛ ولی همیشه باید در خرید و فروش حتماً یک طرف، پول نقد باشد تا معامله‌ی ثانویه هم اشکال نداشته باشد و ربایی هم در کار نباشد؛

۷. برخی از پژوهش‌گران کوشیده‌اند معامله‌ی دین به دین یا کالی به کالی را تصحیح و ادله‌ی بطلان آن را تضعیف کنند، مانند هاشمی شاهرودی؛ هم‌چنین در صورتی که ممنوعیت بیع دین به دین را به موردی اختصاص دهیم که دین، پیش از بیع دین تحقق یافته باشد، شامل معاملات بازار بورس نمی‌شود، زیرا در بازار اولیه دین تحقق نیافته، و در بازار ثانویه هم گرچه در یک طرف دین تحقق یافته است، آن را در مقابل وجه نقد، معامله می‌کند و از بازار خارج می‌شود؛ بنابراین اشکال ندارد؛ البته نباید آن را در مقابل دین تحقق یافته، مبادله کند.

## 📖 کتاب‌نامه:

- \* قرآن کریم
۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، حاشیه مکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
  ۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، چاپ اسلامی، ۶۹ - ۱۳۶۸.
  ۳. امامی، اسد الله، "نقش اراده در قراردادها"، دفتر چهارم، ۱۳۶۴.
  ۴. انصاری، مرتضی، المكاسب، لبنان، بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰ ق.
  ۵. ایروانی، میرزا علی، حاشیه مکاسب، بی جا، الطبعة الاولى، دار ذی القربی، ۱۴۲۱ ق.
  ۶. برواری، شعبان محمد اسلام، بورصه الاوراق المالیه من منظور اسلامي، دمشق، دارالفکر، ۲۰۰۲ م / ۱۴۲۳ ق.
  ۷. جهانگیر، منصور، قانون مدنی، چاپ یازدهم، انتشارات آگاه، ۱۳۸۱.
  ۸. حسینی حائری، سید کاظم، فقه العقود، قم، الطبعة الثانية، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
  ۹. \_\_\_\_\_، \_\_\_\_\_، کتاب البیع، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ ق / ۱۳۷۹ ش.
  ۱۰. درخشان، مسعود، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، تهران، چاپ اول، مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی، ۱۳۸۳.
  ۱۱. روح الامینی، موسی، بازار طلایی بورس، تهران، چاپ اول، انتشارات فارابی، ۱۳۸۴.
  ۱۲. روحانی، سید صادق، المسائل المستحدثه، قم، دارالفکر، بی تا.
  ۱۳. زحیلی، وهبه، المعاطات المالیه المعاصره بحوث و فتاوی و حلول، دمشق، الطبعة الاولى، دارالفکر، ۱۴۲۳ ق.
  ۱۴. طباطبایی، سید کاظم، حاشیه مکاسب، قم، مطبعة الشمس، ۱۳۷۵.
  ۱۵. عبدالحمید الرضوان، سمیر، اسواق الاوراق المالیه، قاهره، الطبعة الاولى، المعهد العالمی للفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.

۱۶. عبدالله زاده، فرهاد، مدیریت سرمایه گذاری و بورس اوراق بهادار، تهران، چاپ اول، انتشارات پردازش گران، ۱۳۸۱.
۱۷. عبده، سید عبدالمطلب، التأمین علی الحیاة، قاهره، چاپ اول، دارالکتب الاسلامیه سید محمود و شرکاء، ۱۹۷۶.
۱۸. عبده، عیسی، التأمین الاصل و البديل، قاهره، دارالبحوث العلمیه، ۱۳۹۲.
۱۹. عرفانی، توفیق، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، تهران، چاپ اول، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
۲۰. عصمت پاشا، عبید الله، "فلسفه و سیر تکاملی ابزارهای مالی مشتقه و دیدگاه‌های فقهی"، ترجمه‌ی صالح آبادی، علی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره‌ی ۹، ۱۳۸۳.
۲۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، چاپ هفدهم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹.
۲۲. فطانت، محمد و آقاپور، ابراهیم، اوراق اختیار معامله، تهران، چاپ اول، انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۸۰.
۲۳. کاتبی، حسین علی، حقوق مدنی عقود و تعهد الزامات، تهران، نشر آبان، ۱۳۵۶.
۲۴. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، تهران، چاپ به نشر، ۱۳۶۴.
۲۵. گرجی، ابوالقاسم، "تعهدات ناشی از قرارداد در حقوق اسلامی"، شماره‌ی اول، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.
۲۶. مؤمن قمی، محمد، کلمات سدیدیه فی مسائل جدیدیه، قم، الطبعة الاولى، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. مجله کنفرانس فقه اسلامی، مکه، سال دوم، دوره‌ی دوم، ۱۴۰۵ ق، چاپخانه رابطه العالم الاسلامی.
۲۸. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۲/۱۳۱۶، نشریه‌ی روزنامه رسمی ایران، چاپ سوم.
۲۹. مطهری، مرتضی، بررسی فقهی مسئله بیمه، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۱.
۳۰. معروف الحسنی، هاشم، نظریه العقد فی فقه الجعفری، بیروت، انتشارات مکتب هاشم، بی تا.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، (کتاب بیع)، قم، الطبعة الثانية، مدرسه الامام امیر المؤمنین (ع)، ۱۴۱۳ ق.



۳۲. موسوی اردبیلی، السيد عبدالکریم، فقه الشركة علی نهج الفقه و القانون، قم، الطبعة الاولى، مكتبة امير المؤمنين (ع)، ۱۴۱۴ ق.

۳۳. موسوی خمینی (ره)، سيد روح الله، تحرير الوسيلة، قم، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۲۱ ق.

۳۴. هاشمی شاهرودی، السيد محمود، قراءات فقهيه معاصره، قم، مؤسسه دائرة معارف الفقه الاسلامی طبق المذهب اهل بيت (ع)، ۱۴۲۳ ق / ۲۰۰۳ م.

